

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

چهارشنبه ۲۸ جولای ۲۰۲۱

میر عبدالرحیم عزیز

## واشنگتن چه قطعه را از طریق انقره در افغانستان بازی می کند؟

نویسنده: Vladimir Danilov

ترجمه: میر عبدالرحیم عزیز



علیرغم بحث های تندی که طی چند روز گذشته در ترکیه و ماورای آن در مورد سودمندی انقره به عوض امریکا در افغانستان، رئیس جمهور طیب اردوغان روز قبل تأیید کرد که ترکیه آماده است "اگر ایالات متحده پشتیبانی لازم را وعده دهد، مسؤلیت امنیتی میدان هوایی کابل را به دوش گیرد."

اما قابل یاد آوری است که ترکیه همسایه افغانستان نیست. بنابراین، با توجه با عقب نشینی قوای امریکا و ناتو تا ماه سپتمبر، هر اقدامی در افغانستان حداقل به پشتیبانی لوجستیکی از یک کشور در منطقه نیاز دارد. بدیهی است که برای این اهداف، رئیس جمهور رجب طیب اردوغان در ۱۷

چون گفت که یک پایگاه نظامی ترکیه می تواند مطابق با بیانیه شوشا که روز قبل امضا کرد، در خاک آذربایجان ظاهر شود. اما به نظر می رسد انقره (یا بهتر بگوئیم واشنگتن از طریق انقره) اهداف مشابهی را به امید ایجاد مراکز نظامی مشابه در کشورهای آسیای مرکزی با فعال کردن همکاری های نظامی منطقه ئی ترکیه دنبال می کند.

در این راستا، لازم به یادآوری است که واشنگتن "حمایت لوجستیکی" مشابهی از اقدامات خود در افغانستان انجام داده است که بارها سعی کرده است کشورهای آسیای مرکزی را درگیر کند. با آنهم به دلیل گرایش منفی روسیه و چین به چنین توسعه طلبی نظامی منطقه ئی، همه این مراحل شکست خورده است.

بنابراین در شرایط ذکر شده، واشنگتن صادقانه امیدوار است که ترکیه بتواند چنین "پشتیبانی لوجستیکی" را بدست آورد. خصوصاً از آنجا که طی سالهای اخیر با هم آهنگی واشنگتن و با بهره گیری از علاقه آنها به شکل گیری هویت ملی، خود مختاری ستراتژیک و اقتصادی و نوسازی زیربنا های خود، ترکیه توسعه فعالانه همکاری با تمام کشورهای آسیای مرکزی پس از سقوط شوروی را آغاز کرده است.

این حالا یک راز نیست که انقره در این اواخر موفق شده که کشورهای منطقه را تا حدودی محصور کند و روسیه و چین را به عقب براند که به طور سنتی در این منطقه نفوذ دارند. به همین منظور، انقره با تلاش و منابع زیادی سعی می کند تا کشورهای جدید مستقل منطقه را به سوی ترکیه بکشاند. ترکیه دائماً اجلاس کشورهای ترک نژاد را برگزار می کند که از این تصور بهره میبرند، از جمله از اتحاد نظامی برای ایجاد نوعی "ناتوی ترکی" یا به اصطلاح "اردوی توران" را میتوان نام برد.

تمام این فعالیت های پان ترکیسم، با توجه به آسیبی که جدائی طلبی میتواند به روسیه و چین وارد کند و جایگزین نفوذ منطقه ئی آنها توسط ترکیه "به نمایندگی از ناتو" شود، طی سی سال گذشته توسط واشنگتن به عنوان بخشی از تقابل "غرب-شرق" عمدتاً پشتیبانی شده است. از این رو اعتماد انقره به خطا ناپذیر بودن آرمانهای نو عثمانی و همچنین اعتقاد به امنیت منطقه ئی و قاره ای یورشیا (از جمله جنوب شرق اروپا، مدیترانه شرقی، شرق نزدیک و شرق میانه، آسیای صغیر،

قفقاز و آسیای مرکزی) توسط واشنگتن و به طور کلی غرب به ترکیه سپرده شده و از اینرو از سیاست های آن فقط حمایت خواهد شد.

اگرچه توانائی های مالی ترکیه قابل مقایسه با ایالات متحده امریکا، چین یا روسیه نیست، اما به طور فعال از "قدرت نرم" در آسیای میانه، عمدتاً در توسعه روابط فرهنگی، بشردوستانه و اقتصادی از طریق موسسات آموزشی، ساختارهای تجاری و سازمان های بین المللی استفاده می کند (شورای ترکی، TIKA، TURKSOY و غیره). ترکیه علاوه بر طرح های بشردوستانه، در کمک های نظامی و فنی به کشورهای منطقه نیز سرمایه گذاری می نماید. به طور مثال، ترکیه کمک مصارف تحصیلی برای محصلان آسیای مرکزی را فراهم نموده و افراد نظامی و صاحب منصبان پولیس را رایگان آموزش داده و تولید مشترک برخی سلاح ها را پیشنهاد می کند.

علاوه بر این، انقره بارها سعی کرده است که کشورهای آسیای مرکزی را در سیاست خارجی خود در مناطق دیگر مشارکت دهد. به عنوان مثال، در جریان برخورد مسلحانه در قره باغ در سال ۲۰۲۰، اردوغان فعالانه از کشورهای عضو آسیای مرکزی شورای همکاری کشورهای ترک زبان (CCTS) که شورای ترکی نیز نامیده می شود، خواست تا از باکو حمایت کنند. همچنین قابل توجه درخواست اردوغان در ماه می از قرقیزستان برای نشان دادن همبستگی علیه اسرائیل در مبارزه ترکیه برای دفاع از فلسطین بود. اردوغان طی یک تیلگرامی نوشت، "من یک صحبت تیلیفونی با رئیس جمهور قرقیزستان داشتم و آرزو کردم که کشورش ما را در خلق ابتکاری که داریم یاری نموده تا به اسرائیل در صحنه بین المللی به خاطر حمله به مسجد الاقصا، ناحیه غزه و فلسطینی ها درس بدهد.

هر چند که منطقه آسیای مرکزی با خویشتنداری فزاینده به چنین گسترش فعال ترکیه پاسخ داده است. این امر، بخصوص، با انتقاد فزاینده از درخواست های ترکیه برای بستن مکاتب فتح الله گولن در جمهوریت های آسیای مرکزی و استرداد طرفداران وی و همچنین ربودن اورهان اینندی توسط سازمان های امنیتی ترکیه در قرقیزستان و نقض قواعد بین المللی همراه بوده است. این اقدامات توسط انقره، بالاخص ربودن اورهان ایناندی، در حال حاضر زنگ خطری برای سایر کشورهای آسیای میانه بوده است که نشان دهنده جنبه ناخوشایند قدرت "نرم اما خشن" ترکیه است.

بنابراین، آرزوی اردوغان برای حل مشکلات خود از طریق فشار مستقیم در حال حاضر باعث خلق شکاف در روابط با کشورهای آسیای میانه گردیده و آنها را از ترکیه دور ساخته است. روی همین دلیل است که هنوز طرح های بلند پروزانه ترکیه برای حل اوضاع در افغانستان که توسط اردوغان در دیدار اخیر با جو بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده اعلام شد، هنوز در کشورهای منطقه پشتیبان پیدا نکرده است. خصوصاً اینکه سهیل شاهین، نطق طالبان (جنبشی که در فدراسیون روسیه ممنوع است) به صراحت اعلام کرده است که با هر عسکر خارجی که پس از سپتمبر در افغانستان بماند، به عنوان نیروهای اشغالگر متخاصم رفتار خواهد شد. در این شرایط، با حمایت از چنین ابتکارات اردوغان برای "تصرف میدان هوایی کابل" با استفاده از اردوی ترکیه، اگر کشورهای آسیای مرکزی قلمرو خود را به عنوان حمایت "لوجستیک" آماده سازند، ناگهان خشم و تجاوز کاملاً غیرضروری طالبان را به سوی خود جلب خواهند کرد.

به همین دلیل است که ایده های پان ترکیسم و همبستگی ترکها که توسط انقره و شخصاً رئیس جمهور اردوغان ترویج می شود، اگرچه در کشورهای آسیای میانه محبوب است، اما تنها به عنوان یکی از خط سیر های احتمالی توسعه طلبی تلقی می شود. همه کشورهای آسیای مرکزی به اصطلاح "سیاست خارجی چند جانبه" را تعقیب می کنند که شامل توسعه همکاری نه تنها با ترکیه بلکه با روسیه، چین، ایالات متحده و اتحادیه اروپا است. کشورهای آسیای میانه به وضوح نمی خواهند امنیت خود را در برابر تهدید طالبان و چندین گروه تروریستی مستقر در افغانستان به خطر بیندازند و همچنان نمی خواهند از ماجراجویی اردوغان برای "اداره میدان هوایی کابل" حمایت نمایند.